مبانی نظری وپیشینه تحقیق مسئله قوميت و ناسيوناليسم قومي

**فصل دوم : پيشينه موضوع و چارچوب نظري آن**  8

نگاهي به سابقه تاريخي پان تركيسم در آذربايجان 9

بحث هاي نظري درباره مسئله قوميت و ناسيوناليسم قومي 11

مفهموم بندي قوميت و گروههاي قومي 12

ظهور و گرايشهاي سياسي در آذربايجان 16

نقش نخبگان سياسي و فكري در شكل دادن به هويت قومي 16

قوم گرايي و سياست بين الملل 18

شكل گيري هويت قومي در جريان مبارزه نخبگان براي كسب قدرت 19

تاريخچه راديو و تلويزيون جمهوري آذربايجان 21

مهمترين شبكه هاي تلويزيوني جمهوري آذربايجان 21

شبكه تلويزيوني ANS 21

شبكه تلويزيوني Space 22

شبكه تلويزيوني Lider 23

شبكه تلويزيوني اجتماعي جمهوري آذربايجان 23

شبكه تلويزيوني AZ TV 24

تلويزيون آزادليق 25

شبكه هاي تلويزيوني كه توسط عناصر قوم گرا پان تركيسم راه اندازي شده است 26

تلويزيون نداي آذربايجان 26

تلويزيون اودلاريوردو 26

تلويزيون آنا يورد 27

تلويزيون گوني آذربايجان(گوناز تي وي) 27

شواهد تحقيق 29

فصل دوم

**پيشينه موضوع و چهارچوب نظري آن**

**نگاهي به سابقه تاريخي پان تركيسم در ايران**

**معناي اصطلاح پان تركيسم :**

پان در لفظ يوناني به معناي خداي چوپانان و در لاتين پيشوندي است كه معني و عموم را مي دهد.

از اواخر قرن هيجدهم ميلادي با پيدايش نهضتهاي ناسيونايستي و دين بعضي ها آن را به ابتداي قوم، نژاد و دين خود اضافه كردند كه هدف آنان وحدت سياسي، نژادي، دين و غيره بود مانند پان عربيسم ، پان ژرمانيسم ، پان اسلاميسم ، پان تركيسم و... اين موارد در قرن بيستم رنگ بيشتري به خود گرفت (1) (دايره المعارف دانش بشري)

**سابقه تاريخي پان تركيسم در ايران**

نفوذ مكتب ناسيوناليست غير مذهبي اروپايي در جهان اسلام در اواخر قرن نوزدهم از يك طرف زمينه را براي ظهور پان تركيسم و در امپراطوري عثماني و خارج از آن فراهم ساخت به طوري كه برخي از نخبگان ترك زبان قفقاز و آذربايجان ايران كه تحت تاثير اين انديشه ها قرار گرفته بودند پيرو ايدئولوژي پان تركيسم شدند و تلاش كردند مسئله قوميت را در آذربايجان مطرح كنند از طراف ديگر پيروزي انقلاب اكتبر در روسيه و مقبوليت انديشه ماركسيت – لنينسيتي خود گرداني در ميان آذري هاي ايران و نخبگان ترك زبان قفقاز در باكو انديشه خود مختاري محلي را در آذربايجان ايران پروراند.

گروهي از روشنفكران عثماني در قرن نوزدهم به احتمال قوي نخست كساني بودند كه تحت تاثير گفتمان ناسيوناليست غير مذهبي غربي قرار گرفتند اين گروه كه «عثماني هاي جوان» نام داشتند اولين محفل ناسيوناليستي را در امپراتوري عثماني تشكيل دادند .

و مشوق اصلاحات به شيوه كشورهاي اروپايي شدند و در نتيجه اين اصلاحات فرهنگ سنتي مسلط در امپراتوري عثماني جاي خود را به فرهنگ غرب دادو گروهي جديدي از روشنفكران عثماني تحصيلكرده اروپا در اواخر قرن نوزدهم راه عثماني هاي جوان را دنبال كردندو اين گروه كه به «تركهاي جوان» معروف شدند گام در انديشه هاي ارنست رنان گذاشتند كه مي گفت «عامل اساسي مليت اول در زبان، دوم در مذهب اخلاقيات و رسوم و سوم در تاريخ مشترك، سرزمين پدري و سرنوشت نهفته است» اگر چه تركهاي جوان سعي كردند كه به منظور بسيج مسلمانان در حمايت از خليفه عثماني در آستانه جنگ جهاني اول براي مدت كوتاهي آن هم به طور نا موفق به انديشه هاي پان اسلامي متوسل شوند اما بطور كلي فرهنگ اسلامي را بيشتر محصول سنت هاي عربي و ايراني مي دانستند تا نتيجه استبداد تركها و پان تركها از پيشينه تركي مغولي بيشتر الهام مي گرفتند تا از تمدن اسلامي .

در چنين فضايي بود كه برخي از روشنفكران آذري از جمله آقا اوغلي، محمد امين رسول زاده، علي حسين زاده، نصيب يوسف باي علي، محمد هادي و آقايف از روسيه و ايران به قسطنطنيه (استانبول) آمدند تحت تاثير ايدئولوژي پان تركي قرار گرفتند و اين نخبگان تعلقات و هويت هاي اسلامي خود را رها كردند و به پان تركيسم گرايش يافتند آنان پس از بازگشت به باكو انديشه هاي پان تركي را تبليغ كردند.

رسول زاده پس از بازگشت از استانبول حزب «مساوات» را در باكو بنيان گذاشت و همه تلاش خود را براي استقلال مناطق ترك زبان قفقاز بكار برد.

پس از سقوط روسيه تزاري و امپراتوري عثماني در پايان جنگ جهاني اول پان تركهاي قفقاز به وعهده هاي ويلسون رئيس جمهوري آمريكا درباره خود گرداني گروهها اميد بستند و سقوط دو امپراطوري روسيه و عثماني به طور كلي انتظارات اين گروه را براي برخورداري از حق تعيين سرنوشت و خود گرداني بالا برد در اوج جنگ جهاني اول در سال 1916 كميته اي از نخبگان ترك در باكو تلگرافهايي براي ويلسون و ساير رهبران غرب فرستادند و خواستار اعطاي حق خود گرداني به مسلمانان روسيه شدند، پس از فرو پاشي امپراتوري عثماني با آنكه آمال نخبگان پان ترك براي وارد ساختن قفقاز و آذربايجان ايران در يك امپراتوري ترك تحقق نيافت آنها فعاليتهاي سياسي خود را ادامه دادند. نخبگان آذربايجان ايران و نخبگان ترك زبان قفقاز از انقلاب 1905 روسيه به بعد در معرض انديشه هاي ماركيستي قرار گرفتند و باكو به دليل اهميت صنعتي به يكي از مراكز عمده فعاليت هاي انقلابي در روسيه تبديل شد برخي فعالان برجسته ماركيست از جمله استالين بخش عمده اي از دوران جواني خود را درآنجا گذرانده بود و از آنجا كه كارگران آذري ايراني صنعت نفت باكو در بدترين شرايط اقتصادي به سر مي بردند بيش از سايرين تحت تاثير انديشه هاي سوسياليستي قرار گرفتند .

احزاب سياسي مانند اجتماعيون عاميون و همت اولين احزاب سوسياليستي ايران را ايرانيان آذري در باكو تشكيل دادند . همت در آستانه انقلاب اكتبر به حزب كمونيست ايران تغيير نام داد جعفر جواد زاده (جعفر پيشه وري) يكي از بنيانگذاران همت بود. جوادزاده بعنوان نماينده حزب كمونيست ايران در كنگره مردم شرق در سال 1920 شركت كرد .

در دومين كنگره حزب كمونيست ايران، ايران رسما سرزميني توصيف شد كه در آن ملتهاي بسيار زندگي مي كنند بنابراين وظيفه حزب كمونيست ايران آن بود كه براي آزادي كامل اين ملتها مبارزه كند حتي اگر به جدايي آنها از دولت مركزي منجر شود. [[1]](#footnote-1)

آن عده از نخبگان آذري كه انديشه ماركيستي خود گرداني و مليت را پذيرفته بودند اعتقاد داشتند كه آذري ها طبق تعريف مليت استالين ملتي جداگانه اند و بنابراين حق دارند در قالب يك موجوديت سياسي خود مختار از حقوق ملي برخوردار باشند و حزب توده (حزب غير رسمي كمونيست در ايران) كه بسياري از آذري ها عضو آن بودند، تحت تاثير اين انديشه ماركسيستي قرار داشت و خواستار خود مختاري مبني بر انجمن هاي ايالتي براي همه استانهاي ايران از جمله آذربايجان و كردستان شد.[[2]](#footnote-2)

**بحث هاي نظري درباره مسئله قوميت و ناسيوناليسم قومي**

در مورد ناسيوناليسم قومي و قوميت دو قلمرو اساسي نظري وجود دارد در يك قلمرو ، مكاتب گوناگون فكري درباره ماهيت قومي و ناسيوناليسم به چشم مي خورد و قلمرو ديگر به بحث هاي نظري در خصوص علل سياسي شدن مسئله قوميت اختصاص دارد .

بيشتر مباحث مربوط به ماهيت قومي و ناسيوناليسم را مي توان در دو مكتب كهن گرايي و ابزار گراي يافت .

محققان در مورد ماهيت قوميت و ناسيوناليسم اختلاف نظر دارند در حاليكه كهن گرايان بر اين امر تاكيد دارند كه قوميت و ناسيوناليسم پديده هاي كهن هستند ابزار گرايان معتقدند كه اين پديده ها محصول دوران مدرن و به ويژه چند قرن اخيرند . از مفهوم كهن گرايي بيشتر براي توصيف ريشه ها و استحكام وابستگي هاي قومي استفاده شده است طرفداران مكتب كهن گرايي دو ادعاي اساسي دارند اول اينكه ملتها و ناسيوناليسم پديده هاي كهن هستند و دوم اينكه طبيعي بنابراين جهان شمول اند . اصطلاح كهن گرايي را نخستين بار ادوارد شيلز به كاربرد و كليفورد گيرتيز در دهه 1950 ميلادي آنرا رواج داد .

كساني كه برجنبه هاي كهن قوميت تاكيد مي ورزند به وجود نوعي ارتباط ميان قوميت و خويشاوندي و نيز روابط قومي – عاطفي ميان مردمي كه اجداد مشترك گاه سرنوشت مشترك اين جهاني براي خود تصور مي كنند اعتقاد دارند (دكتر احمدي حميد 1378 قوميت و قوم گرايي در ايران افسانه و واقعيت تهران نشرني) .

**مفهوم بندي قوميت و گروههاي قومي :**

مشكل اصلي مفهوم بندي قوميت و گروههاي قومي فقدان تعريف يا وجود معيارهاي متفاوت در تعريف است لي كدوري مي نويسد كه در يكي از چاپ هاي فرهنگ اقليمي آكسفورد كه حدودا در پايان قرن گذشته تدوين شده است فرهنگ نگاران واژه قوميت را كفر يا موهومات كفر آميز» تعريف كرده اند در حالي كه اين تعريف حاضر هيچ گونه كاربردي ندارد

واژه «قومي» در فرهنگ بين المللي زبان انگليسي و بستر دو معني دارد

* 1. غير مسيحيان و غير كليميان، كساني كه به مسيحيت نگرويده اند مثل كفار و بت پرستان كه مخالف يهوديت و مسيحيت اند .
	2. منسوب به ويژگيهاي جسمي و ذهني نژادها يا مربوط به تميز دادن گروههاي نژادي بشري بر اساس رسوم و ويژگيهاي مشترك كه

تعريف اول يعني « ملل گرايش نيافته به مسيحيت » به نفع تعريف دوم يعني «نژادهاي بشري» كاربرد خود را از دست داده است

دانشمندان علوم اجتماعي از اواخر قرن بيستم به معيارهاي ديگري از جمله معيارهاي فرهنگي در تعريف قوميت يا گروههاي قومي توجه كرده اند به گفته لوئين اشنايدر كاربرد مفهوم فرهنگي واژه «قومي» چنان زياد شده كه تدوين كنندگان سومين فرهنگ بين المللي و بسترWebster third internu Dictionary دو تعريف جديد به تعريف قوميت افزوده است.

1. ريشه گرفته از علايق نژادي، زباني و فرهنگي يك گروه خاص
2. ريشه گرفته از يك فرهنگ اوليه بيگانه

ميلتون گوردون ، نژاد مذهب و ريشه ملي را در تعريف خود بكار گرفت تا ثابت كند كه گروههاي مذهبي و نژادي در جامعه آمريكا تشكيل جوامع فرعي ميدهند.

اسكار هندلين فقط از معيار فرهنگ در تعريف خود استفاده كرد. زيرا هدفش تبيين بقاي گروههاي قومي طي نسل ها از طريق انتقال فرهنگ بود.

كثرت تعاريف و ويژگيهاي قوميت يا فقدان تعريف در بسياري از آثار باعث مخدوش شدن مفهوم عام قوميت و مفاهيم وابسته به آن شده است با توجه به اين واقعيت بود كه تالكوت پارسونيز جامعه شناس برجسته در پي تلاش براي تعريف اين واژه آن را «فوق العاده طفره آميز » خواند .

واژه قوميمت در اصل براي مطالعه يك چهار چوب تاريخي خاص، يعني ايالات متحده آمريكا به وجود آمد كه در آن گروههاي مختلف نژادي، زباني و مذهبي داراي مليتهاي اوليه گوناگون زندگي مي كردند عيسا جيو با بررسي 27 تعريف برگرفته از آثار نظري مربوطه تاكيد كرد كه اكثر اين تعاريف به گروههاي قومي، مربوط به مطالعات موردي در آمريكا بوده است اين آثار به دوره مقبوليت نظريه «كوره مذاب» مربوط مي شود كه بر اساس آن گروههاي قومي گوناگون در اين جامعه سرانجام در فرهنگ و شيوه زندگي آمريكايي حل مي شدند. نكته جالب اينجاست كه كاربرد واژه «قوميت» زماني رايج شد كه ناتان گليز رودانيل موينيهان حاصل مطالعه خود در باره گروههاي قومي آمريكا را در 1975 منتشر كردند. پس از آن اين واژه كاربرد جهاني يافت. اشنايدر مي نويسد.

تااين زمان كلمه «قوميت» در هيچ يك از فرهنگهاي عمومي زبان وجود نداشت و در هيچ دائره المعارف فرهنگ علوم اجتماعي نيز ذكري از آن به ميان نيامده بود در واقع به واژه «قومي» «جوامع قومي» «گروههاي قومي» «هدايت قومي» اشاراتي شده بود اما واژه «قوميت» خير كلمه جديد به سرعت متداول به ويژه در مطالعات مربوط به ناسيوناليسم بارها و بارها ظاهر شد.

برابر دانستن مفهوم قوميت و نژاد سبب شده است كه از كاربرد و اژه ناسيوناليسم قومي به عنوان يك واژه گمراه كننده مخدوش كه غالبا به تئوري هاي بي اعتبار نژادي مربوط مي شود انتقاد شود واقعيت اين است كه احساس تعلق به يك نژاد همانند احساس تعلق به يك گروه قومي نيست، همانگونه كه آنتوني اسميت اشاره كرده است تعريف قوميت و بنابراين ملت بر مبناي وحدت نژاد «گروههاي قومي را واحد بيولوژيك » مورد توجه قرار ميدهند اين نگرش عامل به هم ريختگي و آشفتگي بسيار زيادي شده است به طوري كه اشنايدر توصيه كرده است «بهترين شيوه ممكن براي دانشمندان علوم اجتماعي آن است كه ار بكار بردن واژه «نژاد» در گذرند و آن را براي زيست شناسان بگذارند.

فرهاد كاظمي در مقاله اي بنام «قوميت و روستائيان ايران» به بررسي عامل قوميت در اين قشر از جمعيت ايران مي پردازد با اين همه، روشن نيست كه به منظور نويسنده از قوميت و مهم تر از آن قوميت در ميان روستائيان چيست . كاظمي در آغاز مقاله خود اظهار ميدارد كه در تفاوتهاي ناشي از معيارهاي قومي، مذهبي يا زباني يكي از ويژگيهاي اساسي ثابت خاورميانه اي است و ايران از اين قاعده مستثني نيست از اين عبارت چنين استنباط ميشود كه قومي بودن با مذهبي و زباني بودن تفاوت دارد.

حتي در آثار نظري مربوط به مسئله قوميت در ايران واژه قوميت تعريف نشده است. بهترين شاهد در اين زمينه مقاله هوشنگ امير احمدي در مورد ايران است امير احمدي با پيروي از آثار اخير مايكل هشتر و سنت نظري «انتخاب حسابگرانه» يك چهار چوب نظري براي تبيين «جنبش هاي قومي » در ايران ارائه داده است با اين همه عليرغم غناي نظري مقاله فاقد مفهوم بندي و تعريفي صريح از گروههاي قومي ، قوميت و ناسيوناليسم است.

امير احمدي با وجود آگاهي از سياست ها و جامعه ايران محتوا و چهارچوب تاريخي حوزه فعاليت اين گروهها را در نظر گرفته است

تعاريف صريح از قوميت نيز گاه اشكالاتي ايجاد ميكند كه نمونه آن در اثر ايزمن و رابينوويج درباره قوميت در خاورميانه به چشم مي خورد آنها با استدلالات خود قوميت را اينگونه تعريف مي كنند در هويت و همبستگي جمعي متكي عوامل انتسابي چون حد مشترك ، زبان، رسوم، سيستم عقايد و اعمال (مذهب) و در برخي موارد نژاد و رنگ»

اين تعريف چنان گسترده است كه جنبه هاي عيني و ذهني قوميت رادر بر مي گيرد.

ماحصل مباحث مطرح شده اين است كه مفاهيمي چون قوميت، گروههاي قومي، قبيله و ناسيوناليسم قومي نا روشن است و در مورد تعريف ويژگيهاي آنها توافق وجود ندارد در حالي كه اصطلاحاتي چون قوميت و گروههاي قومي براي توصيف تاريخي مليت هاي بومي و غالبا مهاجر آمريكاي شمالي پديد آمدند بعدها به مفاهيمي جهان شمول تبديل و به دور از هرگونه ديدگاههاي انتقادي براي تحليل گروههاي مذهبي زباني متفاوت در خاورميانه به كار گرفته شدند.

اما در ايران گروههاي گوناگون زباني يا مذهبي مليتها مشخص نبوده اند كه از مناطق ديگر جهان بر اين منطقه مهاجرت كرده باشند بر عكس آنها بخش هاي جدا ناپذير جامعه بزرگتري بوده اند كه در آن گروههاي مذهبي زباني بسياري طي صدها سال در كنار يكديگر زندگي مي كردند و در طول چنين مدت مديدي تجربيات و ميراث فرهنگي واحدي بدست آورده اند (دكتري احمدي حميد – قوميت و قوم گرايي در ايران افسانه و واقعيت تهران نشرني 1378)

**ظهور گرايشهاي سياسي محلي گرا در آذربايجان :**

در فاصله دو دوره كوتاه ميان دو جنگ جهاني در قرن بيستم شاهد نا آرامي سياسي و ظهور يك سلسله تحركات محلي گرا در آذربايجان ايران بوديم در هر دو دوره شمال غربي ايران تحت اشغال ارتش هاي خارجي بود.

با آنكه در جنبش شيخ محمد خياباني (13301-1300) هيچگونه تقاضاي صريحي براي خود مختاري مطرح نشد ولي در دوره دوم (25-1324) فرقه دمكرات آذربايجان از تهران تقاضاي خود مختاري كرد و با اعلام تشكيل جمهوري دمكراتيك آذربايجان گام روشني در مسير جدايي برداشت .

**نقش نخبگان سياسي و فكري در شكل دادن به هويت قومي**

براي درك اهميت نخبگان آذري در ظهور گرايش هاي سياسي- قومي در ايران بايد نقش ايرانيان و نخبگان ايراني و غير ايراني ساكن قفقاز را بررسي كرد در اين جا نيز همانند تجربه كردستان و بلوچستان ايران خواهيم ديد كه تمايل نخبگان به كسب قدرتها و موقعيت سياسي، آنها را تشويق كرده است تا در فعاليتهاي نخبگان بطور عمده بر مسئله زبان بعنوان عامل اساسي ايجاد هويت قومي تكيه كرده اند از نظر تاريحي قيامها و خيزشهاي اجتماعي – سياسي مختلفي در بيداري سياسي نخبگان آذري و گرايش آنان مؤثر بوده است.

حوادث مهمي كه ايرانيان آذربايجان بطور مستقيم درگير آن بوده اند عبارتند از انقلاب 1905 روسيه، انقلاب مشروطه ايران، انقلاب 1908 تركهاي جوان در امپراتوري عثماني، اشغال آذربايجان ايران توسط روسيه و امپراتوري عثماني از سال 1909 تا 1918 ، انقلاب اكتبر 1917، سقوط امپراتوري عثماني و تشكيل دولت تركيه نوين در 1918 و سرانجام ظهور و سقوط جمهوري مستقل آذربايجان در قفقفاز در 1919 و 1920 .

مركز فعاليت هاي سياسي آذري ايراني و قفقازي شهر باكو در كرانه غربي درياي خزر بود.

در اين شهر بود كه گروهي از ايرانيان آذري در فعاليت هاي فرهنگي و سياسي در ايران و روسيه در اوايل قرن بيستم شركت كردند و هسته هاي تشكلهايي را بوجود آوردند كه بعدها حركت خود مختاري طلبانه – جدايي خواهانه سال 25-1324 را در آذربايجان ايران سازماندهي كرد.

ايرانيان در باكو نه تنها در سازمانهاي سياسي نظير حزب همت، مساوات شركت فعال داشتند بلكه احزاب سياسي خاص خود نظير حزب اجتماعيون عاميون حزب عدالت را بوجود آوردند.

اين احزاب در تهران و ساير شهرهاي بزرگ ايران هواداران زيادي پيدا كردند بسياري از ايرانيان از طريق اين فعاليتهاي سياسي با اصلاحات اجتماعي و ايدئولوژي انقلابي نظير سوسيال دمكراسي و كمونيسم آشنا سدند برخي از آنها نيز به ايران باز گشتند تا از انديشه اصلاحات اجتماعي سياسي يا احزاب سياسي را سازماندهي كنند.

از جمله كساني كه سهم عمده اي در ظهور گرايشهاي قومي در آذربايجان روسيه و ايران ايفا كردند آخوند زاده – رسول زاده – پيشه وري بودند .

فتعلي آخوند زاده اديب و متفكر برجسته اي بود براي اولين بار در تاريخ معاصر به زبان تركي آذري مطالبي نوشت و از نخستين تجدد گرايان مسلماني بود كه با نهادها و نخبگان مذهبي در افتاد نوشته هاي او به زبان تركي در روزنامه اكنچي بر نخبگان فكري و سياسي قفقاز تاثير زيادي گذاشت .

آنچه باعث شهرت آخوند زاده در ميان پان تركيستها در قفقاز شد استفاده او از تركي آذري در نوشتن آثارش بود.

محمد امين رسول زاده يك شخصيت فعال سياسي بود و با ساير رهبران مسلمان قفقاز ارتباط داشت وي در آغاز دوران زندگي سياسي خود سخت تاثير تبليغات پان اسلامي سيد جمال الدين اسد آبادي بود و وقتي كه از آينده سياسي خود در ايران تحت حكومت قاجار ناميده شد انديشه هاي پان اسلامي و پان ايراني را كنار گذاشت و پس از اخراجش از ايران به پان تركيست دو آتشه تبديل شد ( دكتر احمدي حميد 1378 قوميت و قوم گرايي در ايران افسانه و واقعيت تهران نشرني).

**قوم گرايي و سياست بين الملل**

مسئله قوميت را از اواسط قرن نوزدهم تا انقلاب اسلامي ايران در سال 1357 نيروهاي خارجي يعني روسيه، امپراتوري عثماني و اتحاد شوروي در آذربايجان شكل داده اند اين سه نيروي خارجي در تلاش براي سياسي كردن مسئله زبان و شكل گيري حركت سياسي طرفدار خود مختاري با تجزيه طلبي نقش مؤثر داشتند.

و روسيه اولين كشوري بود كه در مسائل آذربايجان ايران درگير شد و اين درگيري از زماني آغاز شد كه روسيه پس از فتح قفقاز در جنگ ايران و روس تصميم گرفت با نفوذ و گسترش فرهنگ ايراني مبارزه كند.

و سياست فرهنگي روسيه در تشويق استفاده از زبان تركي براي مبارزه با نفوذ زبان فارسي علي رغم تلاشهاي بسيار نتيجه اي به بار آورد كه با منافع روسيه سازگاري نبود . علاقه فزاينده به زبان و فرهنگ تركي در قفقاز با ظهور گرايش هاي پان تركي امپراتوري عثماني تقويت شد .

به اين ترتيب نتيجه مبارزه ضد ايراي در قفقاز، گسترش تمايلات پان تركي درميان نخبگان سياسي و فكري قفقاز بود كه روسيه به دليل داشتن خصومت با عثماني از گسترش اين گرايشها نگران شد و محافل پان تركي را سركوب و نشريات پان تركي را ممنوع كرد .

امپراتوري عثماني دومين كشوري بود كه انديشه تشكيل خود مختاري در آذربايجان ايران را پيگيري مي كردند در نخستين گام براي رسيدن هدف با استفاده از تحولات جنگ جهاني خليل بيگ، يكي از مقامات بلند پايه تركهاي جوان، داوطلبان مسلح را به آذربايجان ايران اعزام كرد كه هدف عمده اين يورش در سال 1294 ش كمك به پان تركهاي قفقاز براي كسب استقلال و تشكيل محافل پان تركي در آذربايجان ايران بود كه در نتيجه حضور ارتش عثماني با كمك آنان نشريه اي به زبان تركي به نام «آذربايجان» در تبريز منتشر شد ( دكتر احمدي حميد 1378 قوميت و قوم گرايي در ايران ، افسانه واقعيت تهران نشر ني ) .

**شكل گيري هويت قومي در جريان مبارزه نخبگان براي كسب قدرت**

شكل گيري هويت قومي و ناسيوناليسم قومي به عنوان يك ايدئولوژي، از بسياري جنبه هاي ناشي از فعاليتهاي نخبگان قومي و غير قومي است .

نخبگان در جريان رقابت و مبارزات خود براي كسب قدرت سياسي به طرح اختلاف زباني، مذهبي و فرهنگي مي پردازد و از آنها بعنوان منابع جلب حمايت به منظور نيل به اهداف سياسي خود استفاده مي كنند.

به اين ترتيب نخبگان ايلي كه قدرت نظامي و سياسي خود را از دست داده و نيز بستگان و پيروان آن ها كه داراي تحصيلات جديد بودند و تحت تاثير ايدئولوژي ناسيوناليسم و به ويژه انديشه خود گرداني گروههاي اقليت قرار داشتند به منظور بسيج توده هاي متعلق به گروههاي زباني، مذهبي عليه دولت تمركز گرا، به تلاش براي خلق هويت هاي قومي جداگانه دست مي زند .

اين نخبگان از نابرابريهاي موجود ميان مناطق استفاده مي كنند تا اعضاي گروه را به منظور دست يافتن به اهداف سياسي بسيج كنند.

نخبگان قومي مناطق تحت نفوذ خود را در مقايسه با ساير مناطق، عقب نگه داشته شده عنوان كرده و تلاش مي كنند ساكنان آن نواحي را به دنبال خود بسيج كنند.

به گفته پل براساس اين گروه نخبگان قومي از اين هم فراتر مي روند و در رقابت براي كسب قدرت سياسي « با بزرگ جلوه دادن موارد كوچك تبعيض يا موارد خاص از نابرابري هاي منطقه اي، تصويري از نابرابريهاي و تبعيضات منطقه اي ترسيم مي كنند».

نخبگان قومي در جريان مبارزه بر سر قدرت به مسائل قومي و گاه غير قومي متوسل مي شوند.

از سوي ديگر نخبگان غير قومي نيز در جريان مبارزه خود با دولت مركزي بر سر قدرت و نفوذ سياسي، مقولات قومي را دستاويز قرار مي دهند تا براي خود منبع حمايت فراهم آورند . مانند فعاليت گروههاي چپ گرايي ايراني مانند فدائيان خلق، پيكار كه در مناطق غير فارس زبان مانند تركمن صحرا، آذربايجان كردستان فعاليت مي كردند و رهبري اعتراضات قومي را بعهده داشتند در حاليكه غير قومي بودند .

مثلا در روزهاي پس از پيروزي انقلاب اسلامي سازمان چريكهاي فدايي خلق حدود سيصد شوراي روستايي و يا حدود پانزده هزار عضو روستايي در تركمن صحرا تشكيل داده بودند در همين زمان بود كه اين گروههاي چپ گرا براي اولين بار مسئله خود مختاري تركمن هاي ايران را مطرح كردند. در حاليكه خلق مسائل قومي مانند جدايي يا خود مختاري توسط نخبگان غير قومي و حمايت شان از اين خواستها حاكي از اعتقاد صادقانه آنها به مسائل و مشكلات گروههاي قومي خاص نيست بلكه استراتژي ابزار گرايانه در خدمت تحقق منافع و اهداف سياسي اين نخبگان است.( دكتر احمدي حميد 1378، قوميت و قوم گرايي در ايران، افسانه و واقعيت تهران نشر ني) .

**تاريخچه راديو تلويزيون جمهوري آذربايجان**

آغاز فعاليت هاي راديو در باكو سال 1929 بوده و برنامه هايي به زبان آذري، عربي، روسي، فارسي، تركي استانبولي ، انگليسي، ارمني ، كردي، تالش و لري و لزيك پخش مي كرد.

و مركز تلويزيون باكو نير در سال 1956 راه اندازي گرديد .

كه آغاز فعاليت آنها به دوران قبل از فروپاشي شوري سابق بر مي گردد اين جمهوري بدليل واقع شدن در مرز جمهوري اسلامي ايران اهميت زيادي به حكومت مركزي داشت و حكومت مركزي از اين رسانه ها بيشتر جهت تبليغ و ترويج فرهنگ كمونيستي و از بين بردن فرهنگهاي اصيل مردمي استفاده مي گردد بعد از فروپاشي شوروي جمهوري آذربايجان نيز مانند ساير جمهوريهاي اتحاد شوروي استقلال يافت و با استقلال آذربايجان تغييرات اساسي و بنيادي در برنامه راديو و تلويزيون ايجاد شد.

حضور كشورهاي غربي در اين جمهوري باعث راه اندازي شدن راديو و تلويزيون غير دولتي گرديد و هم اكنون تعداد 37 مركز راديو تلويزيون و 28 مركز خبر گزاري آزادانه مشغول فعاليت هستند.

كشورهاي غربي به ويژه كشور آمريكا به هفت سايت راديو و تلويزيون اين جمهوري پيشنهاد كمك مالي شده است و به شرطي كه اين شبكه ها در ميان برنامه هاي خود اخبار پخش نمائيد .

همچنين كشور آمريكا نيز طرح نقشه پوشش همسايگان ، نقشه تداخل امواج با همسايگان و نقشه پوشش راديو و تلويزيون با نصب فرستنده هاي پر قدرت در هفت منطقه اجرا خواهد نمود كه در صورت اجرا يك دگرگوني براي راديو و تلويزيون جمهوري آذربايجان بوجود خواهد آمد . (اسناد و مدارك موجود در مركز اسناد يگان )

**مهمترين شبكه هاي تلويزيوني جمهوري آذربايجان**

**1) شبكه تلويزيوني ANS :**

آغاز فعاليت اين شبكه به زمان اواخر حكومت شوروي سابق باز مي گردد كه در آن زمان كار خود را در داخل تلويزيون دولتي شوروي سابق شروع كرد كه اكنون يكي از بزرگترين شبكه هاي تلويزيوني جمهوري آذربايجان بوده و علاوه بر خدمات تلويزيوني در زمينه ادامه خدمات اينترنتي نيز فعاليت دارد.

اين شبكه كه گرايش كامل به غرب به ويژه آمريكا دارد بر روي ماهواره ترك ست كه فركانس 2400H 11800 و به صورت 24 ساعته برنامه پخش مي نمايد .

علاوه بر كانال تلويزيوني يك كانال راديو بنام ANSKIM نيز بر روي همين فركانس راه اندازي شده است كه در ضد ايراني ترين و ضد مذهبي ترين برنامه ها از همين شبكه پخش مي شود و اين شبكه بر اساس رياست آمريكا برنامه ريزي شده كلا جو ضد ايراني دارد . در خصوص پان تركيسم و قوم گرايانه نيز فعاليت دارد و اهداف جدايي طلبي را دنبال كرده و تبريز را پايتخت ايران معرفي مي نمايد .

اين شبكه با شبكه Gun Az,tv (گوناز تي وي) همكاري كامل داشته و ضمن حمايت و پشتيباني از شبكه مذكور با پخش برنامه هاي زنده در ايام خاص اين شبكه را ياري مي كند.

و از طريق ماهواره n2 درجه تمام آسيا و خاورميانه و قسمتي از اروپا تحت پوشش داشته و پوشش آن در اين مناطق 100 درصد قابل دريافت است و در شهرهاي مرزي كشورمان از جمله پارس آباد ، گرمي، بيله سوار به راحتي قابل دريافت ميباشد .

**2) شبكه تلويزيوني Space ( اس . پي . اس )**

يكي ديگر از شبكه هاي مستقل جمهوري آذربايجان شبكه تلويزيوني space ميباشد كه اكثرا برنامه هاي سياسي، تفريحي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي پخش مي نمايد اين شبكه كه بصورت شورايي اداره مي شود عمده سهام آن متعلق به شخص الهام عليف و خواهرش و همچنين مرتضي علي عسگرف ميباشد .

برنامه هاي اين شبكه از طريق فرستنده هاي زميني UHF قسمتي از خاك جمهوري آذربايجان و شهرهاي مرزي ايران را پوشش مي دهد.

و از طريق ماهواره Expres 60 به فركانس 11059 GH2 ورتيكال 3333MSPS اروپا و آسيا قابل دريافت مي باشد موضوع اين شبكه در رابطه با ايران و مذهب معتدل تر از ساير شبكه ها است و اين شبكه در مقايسه با شبكه هاي ديگر برنامه هاي ضد ايراني آشكار پخش نمي كند و در پخش اخبار پيرامون مسائل ايران جانب احتياط را رعايت نموده و شيوه تقريبا مناسبي دارد.

**3) شبكه تلويزيوني Lider (ليدر) :**

شبكه تلويزيوني ليدر در اوايل سال 2000 فعاليت خود را شروع كرده است و اين شبكه نيز مثل شبكه space بصورت شورايي اداره مي شود و برنامه هاي آن از طريق ماهواره 36 درجه به فركانس sesat 12521 H 4340 و ماهواره 13 درجه فركانس HOTBIRD 12149V 27500 در تمام نقاط آسيا و اروپا قابل دريافت است و شهرهاي مرزي كشورمان از جمله پارس آباد، بيله سوار، اصلاندوز، گرمي با فرستنده هاي زميني تحت پوشش قرار مي گيرد .

مواضع اين شبكه در خصوص ايران در آغاز فعاليت كاملاً خصمانه بود و بيشترين خبرهاي ضد ايراني را پخش مي كرد و در جهت تخريب وجهه ايران از هيچ كوششي دريغ نمي كرد و كوچكترين حادثه را بزرگنمايي و پخش مي كرد .

بعد از سفر الهام عليف به كشورمان از حجم تبليغات ضد ايراني اين شبكه تقريبا كاسته شد و در حال حاضر تقريبا موضوع متعادلتري نسبت به گذشته اتخاذ شده است.

**4) شبكه تلويزيون اجتماعي جمهوري آذربايجان**

كانال تلويزيون اجتماعي جمهوري آذربايجان از 29 آگوست 2005 و به دنبال فشار شوراي اروپا به دولت آذربايجان جهت راه اندازي يك شبكه تلويزيوني اجتماعي در اين جمهوري راه اندازي شده و از طريق ماهواره ترك ست 42 درجه و به فركانس AZERBAYGAN 11554H2916 برنامه پخش مي نمايد .

هدف اين شبكه ارائه خدمات بيطرفانه به آحاد جامعه ميباشد ولي در پخش برنامه ها نسبت به غرب جانبدرانه عمل نموده و نسبت به مسلمانان ايجاد بدبيني مي نمايد بطوريكه اقدامات و مبارزه ملت مسلمان فلسطين را عمليات تروريستي و حمله آمريكا به افغانستان و عراق قتل و غارت فلسطينيان توسط سربازان اسرائيلي را عمليات مبارزه با تروريستي معرفي مي نمايد .

و بعضي از فيلمهاي اين شبكه درست در ضديت با اسلام و حمايت از ساير اديان ميباشد.

**5) شبكه تلويزيوني AZ TV**

 اين شبكه در سال 1956 در زمان حكومت اتحاد جماهير شوروي تاسيس شده است و از سال 1996 به بعد پروفسور نظامي خوديف مسئوليت آن را بعهده دارد اين شبكه شامل دو كانال تلويزيوني AZ TV1 و AZ TV2 ميباشد .

اين شبكه در زمان شوروي سابق به عنوان يك شبكه محلي برنامه هايي به زبان آذري و روسي پخش مي كرد و در زمينه هاي تفريحي، اجتماعي، سياسي فرهنگي و ترويج كشاورزي برنامه داشت.

و اكثر فيلمهاي پخش شده از اين شبكه در راستاي تبليغ فرهنگ برابري و ايده هاي اصلي كمونيسم بود و بخاطر مقابله با فرهنگ ديني مردم آذربايجان اسلام را آئين بي معنا معرفي مي كرد.

قدرت فرستنده آن پايين بود و با دو دسنگاه رله كم وات از كانال پنج روي باند VHF و كانال يازده روي باند UHF برنامه پخش مي كرد و عليرغم ضعف بودن فرستنده ها تمام نقاط مرزي كشورمان از آستارا تا خداآفرين را پوشش مي داد و موفق شده بود در نقاط مرزي طرفداراني را جذب نمايد .

بعد از فروپاشي نظام كمونيستي و استقلال آذربايجان با روي كار آمدن ابوالفضل ايلچي بيگ پخش برنامه هاي روسي از اين شبكه قطع و پخش برنامه هاي ضد ايراني ترويج ايده پان تركيسم شروع گرديد و روز به روز نيز بر شدت آن افزوده شد. و در اين راستا اقدام به پخش مراسم سخنراني ايرانيان مخالف نظام از قبيل اژدر تقي زاده و رحمان اسد الهي مي نمود .

موضوع اين شبكه از نظر نوع گرايش بيشتر از مواضع حكومت و تبليغ آنها حمايت مي كند و عمده برنامه هاي توليد شده در زمينه هاي سياسي، اقتصادي، اجتماعي، فرهنگي بر اساس سياست داخلي و بين المللي حكومت مركزي ميباشد و بيشتر گرايش به غرب دارد و اما در حال حاضر از حجم انتقادي عليه ايران و روسيه كاسته شده اين شبكه از طريق ماهواره ترك ست L2 درجه به فركانس 11607Hs75 براي آسياي ميانه و از ماهواره 36 درجه SESAT به فركانس L3h درجه 12533H براي اروپا برنامه پخش مي كند و قسمتهاي مختلف اروپا و روسيه را تحت پوشش خود دارد.

پس از عضويت جمهوري آذربايجان در شوراي اروپا و تحت فشار اعضاي اين شورا در سال 2005 با دستور الهام علي اف شركت دولتي AZ TV به سهامي تبديل گشت و قرار است به يك صد سهم تقسيم شده و 51 سهم آن در اختيار دولت قرار بگيريد و 49 سهم بقيه به AZ TV واگذار شود .

**6) تلويزيون آزاد آذربايجان :**

اين شبكه از اول سپتامبر سال 2005 و بر روي ماهواره ترك ست به فركانس 12692H2800 راه اندازي شده و اغلب برنامه هاي آن تفريحي بوده و به پخش فيلم و موسيقي مي پردازد گرايش عمده آن نيز به غرب بود روي فركانس آن دو كانال راديويي نيز موجود مي باشد كه در حال حاضر يكي از آنها برنامه هايي به صداي آذري پخش نموده و ديگري فاقد صدا مي باشد .

**7) تلويزيون آزادليق AZADLIG.TV**

اين شبكه نيز اخيرا و حدود 4 ماه پيش راه اندازي شده و به پخش فيلم و موسيقي پرداخته و هيچگونه برنامه خبري از آن پخش نمي شود به جز زيرنويس اخبار مختلف فعاليت چند ماهه اين شبكه مبين طرفداري آن از رسول قلي اف ميباشد

اين كانال نيز از طريق ماهواره ترك ست l2 درجه به فركانس 12602 V 1482 به پخش برنامه خود مي پردازد.

**شبكه هاي تلويزيوني كه از طرف عناصر قوم گرايان پان تركيسم راه اندازي شده است**

**1) تلويزيون نداي آذربايجان**

اين تلويزيون توسط فردي به نام جمشيد شوروي ملقب به ستار بابك راه اندازي شده است نامبرده عضو حزب آذربايجان دمكرات است كه در آمريكا پا به عرصه وجود گذاشته است. نامبرده بر خلاف بسياري از عناصر فعال قوم گرا كه در نهايت اتحاد سرزمينهاي آذري واقع شده در دو سوي ارس مي باشد و دنبال آذربايجان واحد هستند خواستار استقلال آذربايجان ايران بدون اتحاد با جمهوري آذربايجان مي باشند و حتي در اين زمينه پرچمي نيز براي كشور مورد نظر طراحي نموده است تلويزيون تحت رهبري وي از طريق كانال لحظه به مديريت «هخا» به پخش برنامه مي پرداخت كه بدنبال وقوع اختلاف ميان آنها عمر تلويزيون نداي آذربايجان بسيار محدود بود و حتي به يكماه نرسيده .

**2) تلويزيون اودلار يوردو**

اين تلويزيون توسط رحمان اسد الهي و همسرش اكرم تباري راه اندازي گرديده بود هدف عمده دست اندركاران اين شبكه فراهم آوردن زمينه هاي لازم جهت نيل به آذربايجان واحد بود به همين خاطر نيز منابعي از جمهوري آذربايجان اين تلويزيون و ساير تلويزيونهاي همسو با اين جريان را تا اندازه اي از لحاظ مالي تامين مي نمودند .

علاوه بر آن شبكه هاي تلويزيوني جمهوري آذربايجان نيز در تامين برنامه هاي اين تلويزيون چيزي دريغ نمي كردند البته بينندگان نيز به اين شبكه كمك مالي مي كردند .

تلويزيون اودلار يورد و كه دو روز در هفته و هر روز دو ساعت برنامه پخش مي كرد پس از چندي فعاليت، تعطيل گرديده كه دست اندركاران آن حكومت جمهوري اسلامي را عامل و باني اصلي تعطيلي شبكه خود عنوان مي نمايد.

**3) تلويزيون آنايورد**

اين تلويزيون توسط فردي بنام عليرضا نظمي و اقشار در ماه مي 2004 شروع به فعاليت نمود در اوايل راه اندازي به دليل حمايتهاي كه از طرف جمهوري آذربايجان از اين تلويزيون بعمل آمد عمده گرايش آن نيز به سوي جمهوري آذربايجان بود. ولي پس از رويگرداني آن كشور از تلويزيون آنايورد و ضمن تخطئه جمهوري آذربايجان تمام فعاليتهاي خود را متوجه مناطق آذري نشين ايران نمود و با قطع رابطه با دنباله روان آذربايجان واحد به افشاگري عليه آنها پرداخت و سرانجام در 12اگوست 2005 فعاليتهاي آن متوقف گرديد .

**4) تلويزيون گوني آذربايجان (GUN.AS.TV)**

تلويزيون گوني آذربايجان از اول ماه مي 2005 فعاليت خود را بصورت آزمايشي شروع و مصادف با سالگرد استقلال آذربايجان بصورت رسمي افتتاح گرديده مديريت اين تلويزيون بر عهده فردي به نان احمد اوبالي (احمد يوسفي سادات) رهبر يكي از دو جناح كنگره آذربايجان جهان مي باشد. برنامه هاي آن از طريق ماهواره تلويزيون استار آمريكا و در فركانس 11495v17469 پخش مي شود وگرايش كامل به جمهوري آذربايجان دارد كه اين امر در پخش برنامه هاي اين تلويزيون با آرم شبكه هاي تلويزيوني space.tv , lider.tv, Ans.tv, Tv AZ.TV به خوبي مشهود ميباشد ضمن اينكه به ترغيب منافع كشور تركيه مي‌پردازد، ضديت كامل با نظام جمهوري اسلامي دارد و مقامات نظام را به بازماندگان هيتلر تشبيه و آنها را غاصب حكومت ايران معرفي و حكومت را حق مسلم تركها عنوان مي‌كند. اين شبكه در بين برنامه هاي خود به تحريك اقليتهاي مختلف قومي ايران مبادرت نموده و كسب استقلال و تجزيه طلبي را دنبال مي‌كند. حتي مبارزات مسلحانه را پيشنهاد كرده در صدد (تحريك اعضاي ترك زبان گروهك منافقين براي پيوستن به هواداران آن هستند) تا خلاءهاي موجود جهت سازماندهي مبارزات مسلحانه را توسط آنها پر نمايد .

لازم به ذكر است اين تلويزيون بمدت 14 ماه در تلويزيون استار اجاره شده و 24 ساعت نيز برنامه پخش خواهد كرد .

ولي مديريت آن ابراز اميدواري كرده كه با حمايت فعالان و مبارزات آذربايجاني عمر فعاليتهاي اين شبكه طولاني تر خواهد شد .

و چنين عنوان نموده كه اين شبكه به هيچ قدرتي وابستگي ندارد و هيچ قدرتي نيز ياراي به تعطيل كشاندن آن را نخواهد داشت .

**شواهد تحقيق :**

به منظور روشن شدن نحوه فعاليت شبكه هاي تلويزيوني جمهوري آذربايجان و شبكه هاي راه اندازي شده توسط عناصر قوم گرا پيرامون تبليغ پان تركيسم به نحوه پوشش خبري آنان در رابطه با دومين كنگره آذربايجانيهاي جهان در باكو اشاره مي نمايم كه رسانه ها در انعكاس خبر برگزاري اين كنگره فعال بوده اند . (نمونه اخبار پخش شده از شبكه هاي مذكور در ضمائم موجود مي باشد)

**منابع و مأخذ**

1. دكتر احمدي حميد 1379 قوميت و قوم گرايي در ايران، افسانه و واقعيات ، تهران نشر ني
2. دكتر حافظ نيا – محمد رضا -1380 مقدمه اي بر روش تحقيق در علوم انساني – تهران سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاه (سمت)
3. دايره المعارف دانش بشري
4. مركز اسناد پليس امنيت و اطلاعات فرماندهي انتظامي استان اردبيل
5. پروژه تحقيق پايگاه اطلاعاتي 856 در سال 1383
6. آرشيو و منابع موجود در استانداري
7. آرشيو و منابع سازمان ملي جوانان
8. آرشيو و منابع صدا و سيماي مركز اردبيل
9. آرشيو و منابع اداره كل اطلاعات استان
1. - Atabaki , Azerbaijan.A3 [↑](#footnote-ref-1)
2. - موضوع، حزب توده در اين مورد در سال 1352 اعلام شد و در آن «از برابري كامل حقوق همه خلفاها ، گروههاي قومي و اقليت هاي ملي ساكن ايران حمايت كرد» ايم موضوع گيري بيانگر طرز تفكر شوري در مورد مليت هاست . نگاه كنيد به

Aryeh v. Vodfat, The soviet Union and Revlutionary(iondon☹room Helm, 1984),57-58 [↑](#footnote-ref-2)